



بابازداشت ۱۳ دختر و پسر جوان در یک مهمانی مختلط به دست آمد دستگیری گرداننده کانال «استخرپارتی»

صفحه ۱۵



در «صفحه آخر» امروز می خوانید هر گردی که تراپ نیست!

صفحه ۱۶

سفر روزنامه مردم شهید

بسته فرهنگی اجتماعی
سه شنبه ۲۰ تیرماه ۱۳۹۶ / شماره ۳۰۸۰
www.shahraraonline.com

درخشش فیلم ابراهیم حاتمی کیادر وین

۳ جایزه بین المللی برای «بادیگارد»

صفحه ۱۰



برای تربیت فرزندان
باید کمی صبر و حوصله و اطلاعات داشته باشید

دردسرهای عظیم

این روزها که همه والدین حداقلی از سواد و تحصیلات را دارند و در اجتماع حضور می یابند توقع ندارند که فرزندشان در یک مهمانی رسمی به بچه های دیگر ناسزا بگوید، اما ممکن است شما چنین تجربه ای را داشته باشید و آن زمان احساس کنید که دوست دارید از خجالت آب شوید. والدین هرگز دوست ندارند بچه ای بی ادب داشته باشند؛ برای همین همیشه تلاش می کنند از هر راهی که به ذهنشان می رسد ادب، تربیت و رفتارهای صحیح را به کودک خود آموزش بدهند. این راه البته همیشه موفقیت آمیز نیست و گاهی اسباب شرمندگی و عصبانیت والدین را فراهم می کند. وقتی به گذشته نگاه می کنیم، می بینیم پدر و مادری بودند که، گرچه تحصیلات کمی داشتند یا حتی بی سواد بودند، در تربیت بچه هایشان موفق بودند و محیط اجتماعی نیز به آن ها کمک می کرد، اما هر چه جلوتر می رویم خانواده را متشکل از زن و مردی می بینیم...

صفحه ۱۲



یادداشت:
محمد سرور جانی

امروز با بیدل (۲۴):
محمد کاظم کاظمی

برادرخواندگی باشید هارون فقیری

چند سال پیش وقتی از شهر بجنستان، شهری که حالا خانه شهید رجب غلامی افغانستانی به حساب می آید، بازمی گشتم احساس بسیار خوبی داشتم. احساسی از جنس آرامش و افتخار. شهید رجب در عملیات «والفجر ۹» به شهادت رسیده بود. بعد از شهادت رجب مسئولان امور پیکر پاکش را به بجنستان، شهری که از آن اعزاز شده بوده، می فرستند. او در فرازی از وصیت نامه اش نوشته بود: «من غریبم و پدر و مادر ندارم و همچنین برادر و خواهری. از شما عزیزان تقاضا دارم گاه گاهی که به سر قبرم حاضر می شوید فاتحه ای بخوانید.» حالا با گذشت چند سال هنوز هم کسی از هموطنانم را نمی شناسم که شهید رجب غلامی را بشناسد، اما حالا شهید رجب نه تنها غریب نیست، که بیش از ۳۰ هزار دوست و فامیل بجنستانی دارد که همیشه یادش را گرامی می دارند.

انگار تاریخ برای ما انسان های فراموش کار تکرار می شود و با ماجراهایی از جنس شهادت و غربت نهمیمان می زند که کجای کاریم. ما در باره گمنامی شهدا چه وظیفه ای داریم؟ روز پنجشنبه گذشته شماری از شهدای افغانستانی مدافع حرم در تهران با شکوه تشییع و در قطعه ۵۰ بهشت زهراي تهران به خاک سپرده شدند. در آن میان شهیدی به نام هارون فقیری بود که دوباره مفهوم عمیق غربت را در جانم دواند. اورج غلامی دیگری برای همدلی های بیشتر ماست که در این روزها دشمنان ما آن را نشانه گرفته اند. به گفته دوستان مسئول، هارون فقیری که نه، بخشی از پیکر پاکش ماهه پیش بازگشته بود. چون پدر و مادرش سال ها پیش فوت کرده بوده اند و هیچ کسی به عنوان اقوام شهید برای تحویل گرفتن پیکرش مراجعه نمی کند، شهید غریب روزگار ما همچنان در «عراج شهدا» به امانت باقی می ماند...

ادامه در صفحه ۱۰

گناه بی گناهی

به جناب کرم افسون و ریح پیش میر بی گناهی کنهی نیست که آنجا بخشدن این بیت هم از نظر محتوایی بسیار زیباست و هم از نظر تکنیکی. شاعر از این زهد و ورع بیش از حد شکوه دارد و می گوید: «به درگاه آن کریم بخشنده این قدر زهد فروشی چه سودی دارد؟! در آنجا همین بی گناه بودن خودش گناه است.»

این نوع نگرش شطح آمیز شاعران به مقوله گناه و بی گناهی را باید حاصل رواج زهدهای ربایی در جامعه دانست، اینکه کسانی به کمک این زهد و ورع خود را شایسته رحمت خداوند می دانند و به دیگران فخر می فروشند. بیدل در جایی دیگر هم می گوید:
**گر به شتم مدعا می بود تقوا کم نبود
امتجان رحمتی دارم گناهی می کنم**
در واقع در اینجا تمرکز شاعر بر گناه نیست، بلکه بر رحمت خداوند است؛ به همین دلیل هم هر جا که اسمی از گناه می آورد، از کرم و رحمت خداوند یادآوری می شود، که می دانیم بزرگترین گناه ناامیدی از بخشایش اوست. اما از نظر تکنیکی جلوه این بیت در تعبیر زیبا و متناقض نمای «گناه بی گناهی» است. بیدل از این نوع تعبیرها بسیار دارد، مثل «تماشاداشتن بی تماشایی» در این بیت:
**تماشای غریبی داشت بزم بی تماشایی
فسون های تجلی افت نظر فاما شد.**
می گوید: «همان محرومیت از تماشا خودش برای خودش تماشایی داشت. بدبختی از آنجا شروع شد که آن معشوق تجلی کرد و آن تماشایی را که در خیال خود داشتیم از بین برد.»
و در بیتی دیگر با همین «گناه بی گناهی» بازی کرده است، آن هم به گونه ای که از ناپخشیدن این بی گناهی تعجب می کند، نوعی تضاد در تضاد:
**عتاب بحر رحمت جوش عفوی دیگر
است اینچا**
گناهی بی گناهی چند نابخشیدنی نام.



عکس: محمد حسن طرانی انبیرآرا

کارگردان «ویلاهی ها» در جمع خانواده شهید:

همسران مدافعان حرم از جنس زنان دوران دفاع مقدس اند

فیلم نامه یک کار اجتماعی هستم. «وی افزود: «خوشبختانه تا الان باز خوردهای بسیار خوبی گرفته ام و خوش حالم که مخاطبین از فیلم راضی بودند. البته نقدهای بسیار تنیدی هم شده است که فکر می کنم بیشتر من مخاطب بوده ام تا فیلم. متأسفانه زمان شروع اکران ما همراه با انتخابات و آغاز ماه مبارک بود و همین باعث شد که فیلم کمتر مورد توجه قرار بگیرد. حاشیه هایی هم ایجاد شد که فیلم تا مرز پایین آمدن از پرده هم پیش رفت که خوشبختانه این اتفاق نیفتاد.»

منیره قیدی با تأکید بر اینکه یک فیلم نمی تواند به تنهایی فرهنگ مقاومت را در جامعه ترویج دهد خاطر نشان کرد: «عوامل زیادی از جمله بسترهای اجتماعی باید فراهم شود تا جامعه دوباره به حال و هوای ایام دفاع مقدس برگردد. مگر زنان آن زمان ما فیلم دیده بودند که آن حماسه ها را ساختند؟! باور من این است که امروز هم همسران شهدای مدافع حرم ریشه در آن زمان دارند و انگار خیلی متعلق به این روزها نیستند.»

کارگردان «ویلاهی ها» با بیان اینکه تقریباً نصف فیلم یک ماهه ونیم هم درگیر پیش تولید بودیم. فعلاً می خواهیم تا چند وقت استراحت کنیم. الان مشغول

مجوز گرفتیم کسی حمایت مالی نکرد، تا اینکه بالاخره در این یکی دو سال توانستیم با حمایت «آفریقا» اکران شد. ۷۰ درصد بخش مالی کار را بر عهده گرفت «ویلاهی ها» را کلید زدیم.»

یادمان هست
وی افزود: «به نظر من آن آدم ها و خانم هایی که در آن مقطع در آن مجتمع و در جاهای دیگر حضور داشتند و کاری را که از دستشان برمی آمد برای جنگ انجام دادند حقیقتاً نبوده که این همه سال دیده نشوند و نکته مهم برای من این بود که ما حداقل یک بار آن ها را ببینیم؛ نه اینکه مستقیماً ببینیم از آن ها قدر دانی کنیم، ولی بگویم که ما شما را دیدیم و یادمان هست که برای ما چه کارهایی انجام دادید و به نوعی سپاس گزارشان باشیم. البته نمی خواهم بگویم فقط این قضیه بوده؛ پشت این مسئله قصه ای هم بود که برای من خیلی کشش و پتانسیل داشت. «کارگردان «ویلاهی ها» با اشاره به اینکه ساخت کارهای جنگی بسیار دشوار و طاقت فرساست تصریح کرد: «فیلم برداری «ویلاهی ها» دو ماهه و به مدت ۵۴ جلسه طول کشید. یک ماه ونیم هم درگیر پیش تولید بودیم. فعلاً می خواهیم تا چند وقت استراحت کنیم. الان مشغول

۷۵ درصد محصولات فرهنگی در مشهد مقدس وارداتی هستند

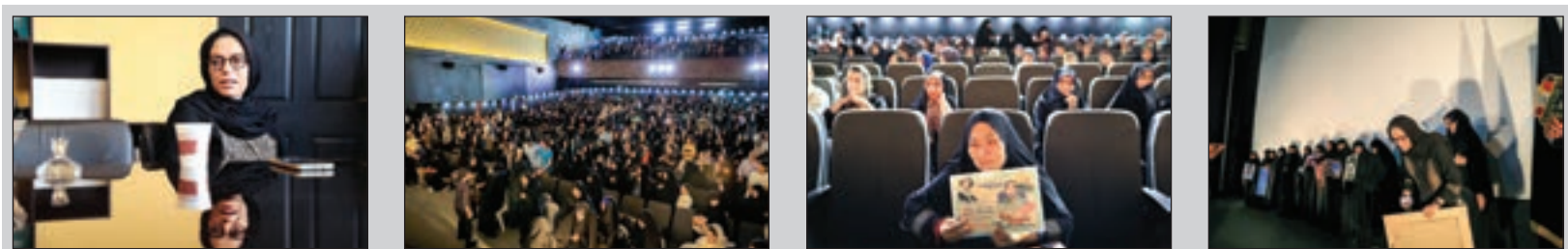
وی افزود: «این صنعت چند بعد اثرگذار دارد: اول بعد فرهنگی؛ صنایع فرهنگی ابزار انتقال پیام هستند. دوم بعد اقتصادی؛ ظرفیت بالای محصولات از ایاز تا عمل که بیشتر آورده آن ها فکر و اندیشه است تا مواد اولیه و به همین دلیل حاشیه سود بیشتر و ظرفیت اشتغال زایی بالایی دارند. ایران مدعی است که نهاد فرهنگی را به عنوان یک مینا مدنظر دارد؛ پس طبیعتاً باید سرمایه گذاری بیشتری در این زمینه انجام دهد.»

یک پسر گفت: «طی مطالعه ای که چند سال پیش در مشهد داشتیم متوجه شدیم در گوشه ای از بازار فرهنگی بزرگ کشور، یعنی بازار سوغات زائران حرم رضوی، گردش مالی بسیار بالایی وجود دارد و ۷۵ درصد بازار از محصولات وارداتی تأمین می کنند، هر زمان محصولات فرهنگی مرتبط با مسئله زیارت

را ارائه می دهیم با اقبال بیشتری مواجه می شوند و مورد تمایل و رضایت مصرف کنندگان هستند.»

وی تأکید کرد: «البته آستان قدس رضوی در پی تجارت نیست؛ بلکه در پی متولی این امر بودن است، یعنی ایجاد نظارت برای برقراری ارتباط بین تولیدکنندگان داخلی با بازار. به زودی نمایشگاهی را راه اندازی می کنیم و این محصولات را در آنجا به بازاریان معرفی خواهیم کرد. ما حمایت از ایده پردازان، طراحان و تولیدکنندگان داخلی و بررسی نتایج فعالیت های آنان را مدنظر قرار دادیم و در حال حاضر در ۶ فروشگاه که در اطراف حرم امام رضا و ۱۶ فروشگاه که در سطح کشور داریم محصولات آنان را عرضه می کنیم. سالیانه بالغ بر ۲۰ میلیون نفر زائر به مشهد می آیند که این مسئله نشان دهنده ظرفیت بالای آستان قدس رضوی برای این امر است.»

گزارش تصویری اکران فیلم سینمایی «ویلاهی ها» با حضور خانواده همسران و مادران شهدا در سینما «آفریقا»



عکس: محمد حسن طرانی انبیرآرا